

عوامل ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر تغییر نگاه سیاست خارجی ایران از غرب به شرق با تأکید بر روسیه بین سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۱۶

هادی صیادی

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

اردشیر سنایی^۱

استادیار روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

(تاریخ دریافت ۹۶/۳/۱۳ - تاریخ تصویب ۹۶/۶/۱۱)

چکیده

فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، اهمیت ژئوپلیتیک و منطقه‌گرایی را در نظام بین‌الملل دوچندان کرده، به طوری که بسیاری از کشورها در سیاست خارجی خود منطقه‌گرایی را به عنوان اصلی ثابت و اساسی جهت تأمین منافع و امنیت ملی خود برگزیده‌اند. نگاه عملی و نظری در طول سال‌های گذشته در سیاست خارجی ایران عدم توجه به راهبرد نگاه به شرق و نگاه یک جانبه به غرب، باعث غفلت از سایر مراکز و منابع قدرت و ثروت جهانی به خصوص در نزدیکی مرزها گشته است، اما در سال‌های اخیر راهبرد نگاه به شرق، به راهبردی منطقه‌گرایانه از سوی جمهوری اسلامی ایران در منظومه نگاه ژئوپلیتیک و جغرافیایی تبدیل شده است، چرا که ایران از جمله کشورهایی می‌باشد که به لحاظ موقعیت جغرافیایی و سیاسی، از مزیت ژئواستراتژیک، ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک بهره‌مند می‌باشد. بر این اساس راهبرد نگاه به شرق که از منظر علمی و تاریخی، همچنین ریشه‌های جغرافیایی و سیاسی در سیاست خارجی کشور برخوردار است و هویت‌سازی جدیدی در گفتمان سیاست خارجی ایجاد می‌کند، از اهمیت مضاعفی برخوردار شده است. در این مقاله دنبال بررسی عوامل ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر تغییر نگاه سیاست خارجی ایران از غرب به شرق با تأکید بر روسیه می‌باشیم.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، نگاه به شرق، ایران، روسیه.

Email:ardeshir_sanaie@yahoo.com

^۱ نویسنده مسئول

فصلنامه مطالعات روابط بین الملل، سال دهم، شماره ۳۹، پاییز ۱۳۹۶، صص. ۸۳ - ۱۱۷.

مقدمه

ژئوپلیتیک هر واحد سیاسی یکی از کاتالیزورهای سیاست قدرت و امنیت هر کشور در ارتباط با دیگر واحدهای نظام بین‌الملل است. در این راستا، شاخص‌های گسست و پیوند در سیاست خارجی کشورها، وابستگی عمیق و قابل توجهی به ویژگی‌ها و مختصات ژئوپلیتیک یک کشور دارد. شکل‌گیری همگرایی و ایجاد شرایط تعامل در مجموعه‌ای از رفتارهای زمانی و مکانی مستلزم طراحی و اجرای سیاست خارجی بر مبنای ژئوپلیتیک است. قلمروهای منطقه‌ای براساس مجموعه‌ای از اهداف و پیش‌نیازها تعیین می‌شود، در نتیجه، مناطق ژئوپلیتیک می‌بایست توجیه‌کننده این نیازها باشد، به همین علت به محض احساس کوچک‌ترین تغییر و تحول در ساختار برخی از مناطق به نحوی سایر اهداف را دچار مشکل می‌سازد (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۵). سیاست نگاه به شرق رویکردی راهبردی به مناطق فراسوی مرزهای شرقی، و شمال شرقی جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای تعمیق مناسبات همگرایی با بازیگران حاضر در این مناطق است به گونه‌ای که در راستای تأمین منافع و ارتقای ضریب امنیت ملی کشور توجه خاصی به مجرای همکاری و ائتلاف با آنان از طریق تعامل دو جانبه و همکاری‌های جمعی در چهارچوب نهادهای همگرایی منطقه‌ای نظیر آ.سه.آن، سارک، اکو، دی هشت و سازمان همکاری شانگهای مبذول می‌گردد. کشورهای این مناطق در کنار هم مجموعه تمدن شرقی را تشکیل داده‌اند که به زعم برخی تحلیلگران در حال بازخیزی و انسجام‌یابی هستند. با این حساب می‌توان خیمه راهبرد نگاه به شرق را بر روی چهار ستون روسیه، چین، هند و مالزی استوار دانست. روسیه، چین و هند هر کدام مهره‌های بزرگی در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی هستند و طی سال‌های اخیر روند قدرت‌گیری و ارتقاء جایگاه را با سرعت چشم‌گیری پیموده‌اند. اینان از ظرفیت‌های فوق‌العاده بالایی جهت کمک به تأمین منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران برخوردارند. طرفداران سیاست نگاه به شرق معتقدند که جمهوری اسلامی ایران به واسطه تعلق به حوزه تمدنی مشرق زمین و داشتن اشتراکات فرهنگی، تاریخی و هویتی با ساکنان این حوزه، راحت‌تر می‌تواند با بازیگرانی نظیر چین، روسیه، هند، مالزی و دیگران

ائتلاف و همگرایی برقرار سازد تا بازیگران غربی؛ لذا باید رویکردی راهبردی و بلند مدت نسبت به جامعه بزرگ شرق اتخاذ نمود و با طراحی یک استراتژی مناسب در جهت بهره‌برداری بهینه از حداکثر ظرفیت‌های کشورهای شرقی گام برداشت و امنیت و منافع ملی خود را ارتقاء داد. سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر خلاف سیاست خارجی حکومت‌های عصر مشروطیت نشأت گرفته از آرمان‌های انقلاب و متکی بر اصول مکتبی/ شیعی است. شخصیت محوری و جهان شمولی از خصوصیات بارز و مهم دیگر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران است. بدین معنی نقش بسیار تعیین کننده رهبری، در فرایند تصمیم‌گیری و اجرایی، تعقیب اهداف فراملی، بی‌ثباتی سیاسی مستمر داخلی و نگاه عمدتاً امنیتی کارگزاران حکومتی به نظام بین‌الملل و بازیگران اصلی آن، از دیگر ویژگی‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی به شمار می‌آید (آدمی، ۱۳۸۹؛ ۱۰۴-۱۰۵). در واقع سیاست خارجی جمهوری اسلامی در طول سه دهه اخیر متأثر از گفتمان‌های مختلفی بوده که هر یک در شرایط تاریخی مشخص آن را شکل داده‌اند؛ لذا، در تمام گفتمان‌های حاکم بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، ژئوپلیتیک تأثیر زیادی داشته است؛ بنابراین می‌توان گفت مهمترین عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر سیاست خارجی ایران عبارتند از؛ سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان و تنگه‌ی استراتژیک هرمز، تنوع فرهنگی و قومی، قدرت نرم (مرکزیت فرهنگی)، وسعت سرزمینی و فضاهای خالی گسست آفرین در مرکز، موقعیت نسبی و محوریت در نظریه‌های ژئوپلیتیک، پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی غنی، ژئوتوریست و موقعیت ایران در دریای خزر. در مقابل، بعد از فروپاشی اتحاد شوروی، سیاست خارجی روسیه تاکنون دوره‌های تاریخی فراوانی را پشت سر گذاشته است که در هر دوره هدف‌ها و مسائل مهم سیاست خارجی این کشور در قالب این دوره‌ها تغییر کرده است. دوران حاکمیت دیدگاه ارو-آتلانتیکی (غرب گرایی) و بی‌توجهی به جمهوری‌های اتحاد شوروی و سپس انتخاب پوتین به عنوان رئیس‌جمهور و آغاز مرحله‌ای جدید از سیاست خارجی روسیه که در آن، هم توجه به غرب و آمریکا و هم همکاری با کشورهای مهم آسیایی، اروپایی و بیش از همه کشورهای مستقل اهمیت ویژه

داشت؛ بنابراین می توان گفت: مهمترین عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر سیاست خارجی روسیه عبارتند از؛ مساحت، تکرر قومی و زبانی و بحران های قومی، عدم دسترسی به آب های گرم، ایدئولوژی نوظهور روسی، جمعیت، اسلام، موقعیت روسیه در منطقه خزر و اورآسیا. در واقع، همکاری با شرق به عنوان وزنه تعادلی در برابر غرب پیوسته در تفکر استراتژیک نظام سیاسی ایران حضوری جدی داشته است؛ در حقیقت به نظر می رسد در عرصه تعامل و تقابل سیاست خارجی ایران در قبال روسیه نیز، سیاست خارجی روسیه در قبال ایران اهرم ژئوپلیتیک تأثیر بسزایی دارد. نگارنده گان در این مقاله درصدد پاسخ به این پرسش است: چه عوامل ژئوپلیتیکی باعث تغییر نگاه سیاست خارجی ایران از غرب به شرق به ویژه مناسبات ایران و روسیه طی سال های ۲۰۱۶ - ۱۹۹۱ شده است؟ فرضیه این تحقیق عبارت است از اینکه عوامل ژئوپلیتیکی ایران از جمله همجواری با جمهوری های جدا شده از اتحاد شوروی در کنار تأمین انرژی، منافع متقابل، رژیم حقوقی دریای خزر و فشارها و تحریم های غرب در زمینه های مختلف علیه ایران باعث تغییر نگرش سیاست خارجی ایران از غرب به شرق بین سال های ۲۰۱۶ - ۱۹۹۱ و ایحاد مناسبات ویژه بین ایران و روسیه شد، اما در مقاله حاضر تلاش می شود تغییر نگاه سیاست خارجی ایران از غرب به شرق بررسی عوامل ژئوپلیتیکی این تغییر نگاه حائز اهمیت می باشد. تلاش این مقاله پرداختن به این عوامل خواهد بود.

چهارچوب نظری

از رویکردهای سنتی در روابط بین الملل، نظریه ژئوپلیتیک است که به بررسی ارتباط انسان با طبیعت، ارتباط قدرت ملی و جغرافیا یا ریشه های جغرافیایی قدرت ملی و میزان امکان تغییر عوامل زیست محیطی در جهت رفع نیازهای انسانی و ملی می پردازد (فالتز گراب، ۱۳۷۲؛ ۴۵-۴۲). قدرت ملی و کنترل سرزمینی کانون این نظریه است. ژئوپلیتیک عبارت از مطالعه پدیده های سیاسی بر اساس رابطه فضایی و مکانی آنها و همچنین وابستگی و تأثیر آنها بر زمین و کلیه عوامل فرهنگی و انسانی است که موضوع علم

جغرافیایی انسانی به طور عام می‌باشد؛ لذا ژئوپلیتیک به عنوان یک مفهوم تحلیل سیاست خارجی به توضیح چگونگی تضمین سیاست خارجی کشورها بر پایه عوامل جغرافیایی یا نقشی که این عناصر در شکل‌گیری آن ایفا می‌کنند، می‌پردازد؛ به عبارت دیگر، ژئوپلیتیک، رویکردی به سیاست خارجی است که بر اساس محیط فیزیکی و جغرافیایی به تبیین و پیش‌بینی رفتار سیاست خارجی و توانایی‌ها و قابلیت‌های نظامی کشور مبادرت می‌کند. این عوامل جغرافیایی شامل کلیه ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مرتبط با جغرافیای کشور اعم از انسانی و غیرانسانی می‌شود. عوامل جغرافیایی مادی از محیط فیزیکی کشور ناشی می‌شوند و عناصری مانند موقعیت جغرافیایی، وسعت سرزمینی، منابع طبیعی، آب و هوا، شکل سرزمینی، پستی و بلندی یا توپوگرافی و مرزها را دربرمی‌گیرد. عناصر انسانی که از ویژگی‌های جمعیتی کشور سرچشمه می‌گیرد، شامل عواملی چون پیشینه و تجارت تاریخی، تحولات سیاسی/ اجتماعی، فرهنگ سیاسی، بافت قومی و نژادی و مذهب می‌شود (فیروزآبادی، ۱۳۸۹؛ ۳۲-۳۱)؛ بنابراین، نظریه‌پردازان ژئوپلیتیک استدلال می‌کنند که عوامل جغرافیایی، به‌ویژه موقعیت جغرافیایی هر کشور نقش تعیین‌کننده‌ای در قدرت ملی و جهت‌گیری سیاست خارجی آن دارد. آنها رفتار سیاست خارجی کشورها را تابعی از شرایط و وضعیت جغرافیایی آنان می‌دانند و تصمیم‌گیری سیاست‌گذاران ملی را در چهارچوب الزامات ژئوپلیتیک تحلیل می‌کنند؛ زیرا وضعیت جغرافیایی، قوام‌دهنده گزینه‌های موجود برای کشور است و انتخاب‌های آن را در حوزه سیاست خارجی محدود می‌سازد. لذا، تداوم و استمرار سیاست خارجی ایران را بر اساس این چهارچوب مفهومی می‌توان تحلیل و تبیین کرد، زیرا سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی در عین تغییر و تحول از استمرار و ثبات نسبی برخوردار است که معلول ویژگی‌ها و متغیرهای ثابت جغرافیایی (اعم از انسانی و غیرانسانی) آن می‌باشد. بنابراین، در بکارگیری این رویکرد نظری برای مطالعه و شناخت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران ضروری است (همان: ۳۲-۳۴).

سیاست خارجی و ژئوپلیتیک

برتری‌های ژئوپلیتیکی کشورها به طور مشخص بر اساس امتیازهای محیط جغرافیای این کشورها تعیین می‌شود و بهره بردن از این برتری‌ها و تلاش برای دستیابی به چیرگی-های جغرافیایی تازه و ارتقای اهمیت برتری‌های قبلی در محیط بین الملل از اهداف مهم کشورها در عرصه بین المللی است. موقعیت ژئوپلیتیک یک کشور که می‌تواند تولیدکننده فرصت برای یک کشور باشد، به همان شکل می‌تواند محدودیت‌هایی را نیز ایجاد کند. برخی عوامل جغرافیایی می‌تواند سیاست و استراتژی ملی کشور را در یک حوزه ژئوپلیتیک منفعل و برای آن کشور نوعی چالش ژئوپلیتیک ایجاد کند (احمد پور و دیگران، ۱۳۸۹: ۳). ژئوپلیتیک برای دستیابی به یک سیاست خارجی کارآمد بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به وجود آمده از موقعیت‌های در حال تحول منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. درک ژئوپلیتیک از سیاست خارجی کشورها نیازمند تحلیل واقع‌بینانه از فضای جغرافیایی پیرامون یک واحد سیاسی، می‌باشد. از این جهت ژئوپلیتیک به عنوان یک عرصه مطالعاتی می‌تواند راهبردهای سیاست خارجی کشورها را تعیین و اولویت‌های اساسی آن را مشخص سازد (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۵) در تلقی بین‌المللی، از قدرت به عنوان موتور محرکه نظام بین‌الملل و هدف اصلی رفتار دولت‌ها برای کسب منافع و رفع تهدیدها یاد می‌شود. مهمترین خصیصه قدرت، پویایی است؛ این ویژگی باعث می‌شود تا جایگاه کشورها در سلسله مراتب قدرت در نظام بین‌الملل، پیوسته تغییر پیدا کند. درک ژئوپلیتیکی نسبت به نظام بین‌الملل به عنوان شاکله‌ی برآمده از قدرت و تحول دائمی جایگاه کشورها، حاوی بینشی عمیق برای سیاست خارجی دولت‌ها است. هدف نهایی ژئوپلیتیک از تشریح ساختار نظام روابط بازیگران و چهارچوب‌های جغرافیایی قدرت، ارائه این دید به سیاستگذاران است که منابع قدرت برآیند چه عناصری هستند و چگونه بر شکل‌گیری سیستم ژئوپلیتیکی جهانی و روابط قدرت بین المللی تأثیر می‌گذارند (قالیباف و دیگران، ۱۳۸۷: ۵۵).

عوامل ژئوپلیتیک مؤثر بر سیاست خارجی ایران

از جمله شاخص‌های مهم و مؤثر در فرایند سیاستگذاری ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، همانا دارا بودن عوامل طبیعی، داشتن تنوع در مرزها، دسترسی یا عدم دسترسی به آب‌های آزاد، تعداد همسایگان و برخورداری از جایگاه کشوری در مجموعه‌ی نظام بین‌الملل است که از آن به ژئوپولیتیک تعبیر می‌شود (گل‌وردی، ۱۳۸۹: ۱۱). واحدهای سیاسی با توجه به وزن ژئوپولیتیکی و مقدرات جغرافیایی به تعامل با دیگر واحدهای سیاسی می‌پردازند:

۱. سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان و تنگه‌ی استراتژیک هرمز

در اختیار داشتن تنگه‌ی راهبردی هرمز و برخورداری از موقعیت گذرگاهی، ایران را مسلط به بهترین گلوگاه اقتصادی و انرژی جهان گردانیده است. در صورت وقوع، عوامل مختلف نظیر: جغرافیا، انرژی، اقتصاد و امنیت در هم می‌آمیزد و موقعیت حساسی را به وجود می‌آورند (گل‌وردی، ۱۳۸۹: ۱۲). یکی دیگر از ویژگی‌های منحصر به فرد ایران، همانا دارا بودن طولانی در خلیج فارس و دریای عمان است که ایران را به آب‌های آزاد متصل می‌کند. داشتن چنین ویژگی مهمی، ایران را نسبت به دیگر کشورهای همسایه و حتی منطقه‌ی جنوب غربی آسیا متمایز کرده است. موقعیت خلیج فارس و دریای عمان در جنوب، بهترین موقعیت سیاسی را برای مرزهای جنوبی فراهم آورده است (اخباری و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۷۹).

تکثر قومی و تنوع زبانی: یک گروه قومی از آن رو با گروه‌های قومی دیگر مرزبندی دارد که هویتی متفاوت، خواه واقعی یا تصویری، برای خود قائل بوده و کمابیش بر اساس همین تمایز هویتی رفتار می‌کند. این مفروضه، گزاره‌ای مورد مناقشه نیست. نکته مهم مناقشه برانگیز نحوه تأثیرگذاری این متغیر هویت‌بخش بر سیاست خارجی است (حق-پناه، ۱۳۹۰: ۸۴). اگرچه بیشتر حرکت‌های تجزیه طلبانه در محدوده سرزمینی کشورها محصور است، اما وقتی که حکومت‌ها نتوانند به نیازها و تقاضاها پاسخ مناسب دهند و یا نتوانند به طریق مناسب به سرکوب یا مهار تجزیه‌طلبان اقدام کنند، گرایش به کسب حمایت خارجی، به ویژه از سوی کشورهای همسایه و گروه‌هایی که با آنها وابستگی قومی،

نژادی و یا مشترکات فرهنگی دارند تقویت می شود. اتحاد بین گروه‌های محلی و ناحیه‌ای ناراضی و بازیگران خارجی موجب درهم بافته شدن تهدیدات داخلی و خارجی می‌شود و در نتیجه، مدیریت امنیت ملی را با مشکل مواجه می‌سازد. ایران به طور طبیعی دارای تکثر قومی است و یکی از ناهمگن‌ترین کشورهای خاورمیانه به حساب می‌آید (عزتی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱۳). تنوع فرهنگی و قومی از ویژگی‌های جامعه ایران است (نواح و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۸)؛ به طوری‌که از منظر ناهمگنی زبانی، در شمار ده کشور نخست دنیا و اولین کشور در هسته جهان اسلام شمرده می‌شود.

جدول (۱) جمعیت و ترکیب قومی ایران

ردیف	قومیت	زبان	درصد در ایران	جمعیت در ایران
۱	فارس	فارسی (پارسی)	۳۴,۵	۲۴ ۸۲۹ ۶۵۰
۲	آذری	ترکی آذری	۲۵,۷	۱۸۴۹۶۲۹۰
۳	کرد	کردی	۱۰	۷۱۹۷۰۰۰
۴	لر و بختیاری	لری و بختیاری	۸	۵۷۵۷۶۰۰
۵	عرب	عربی	۴,۸	۳۴۵۴۵۶۰
۶	مازندرانی	مازندرانی	۴,۴	۳۱۶۶۶۸۰
۷	گیلکی	گیلکی	۳,۲	۲۳۰۳۰۴۰
۸	بلوچ	بلوچی	۳	۲۱۵۹۱۰۰
۹	کرد	کردی (کرمانجی در خراسان)	۲	۱۵۰۱۳۷۰
۱۰	ترکمن	ترکمنی	۱,۲	۸۶۳۶۴۰
۱۱	تالشی	تالشی	۱	۶۹۹۱۰۰
۱۲	قشقایی	ترکی قشقایی	۰,۸	۵۷۵۷۶۰
۱۳	دیگران	دیگران	۱,۵	۱۰۱۸۱۸۰
جمع	-	-	۱۰۰	۷۱۹۷۰۰۰

Source: <http://projects.publicintegrity.or>

۲. قدرت نرم مرکزیت فرهنگی

قدرت نرم به آن دسته از قابلیت‌ها و منابع یک کشور چون فرهنگ، آرمان یا ارزش‌های اخلاقی اطلاق می‌شود که به صورت غیر مستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد (هرسیچ و دیگران، ۱۳۸۸: ۲۲۶). قدرت نرم هر کشوری در ابتدا از سه منبع سرچشمه می‌گیرد: فرهنگ (بخش‌هایی که برای دیگران جذاب است)، ارزش‌های سیاسی (زمانی که منطبق با افکار عمومی داخل و خارج باشد)، سیاست خارجی (زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی شوند). پیوندهای قومی، مذهبی و زبانی با کشورهای همجوار، شبکه‌های خبری و رسانه‌ای مانند العالم، جام جم، پرس‌تی‌وی، ظرفیت بالای توریست‌پذیری، قرابت مذهبی با ۱۵ کشور خاورمیانه، مهد تشیع و مرکزیت جهان شیعه، هویت فراملی و فرامرزی زبان فارسی (حق‌پناه، ۱۳۸۸: ۲۶۲)، از جمله ظرفیت‌های قدرت نرم ایران است. مضمون ایدئولوژیک پایه شیعه‌گرایی، از دیگر عناصر قابل توجه در افزون‌سازی قدرت نرم ایران است. ایران به عنوان پایگاه اصلی تشیع در منطقه خاورمیانه محسوب می‌شود. بعد از حمله آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، قدرت معنویت و نقش مذهب شیعه در تحولات مذهبی خاورمیانه مشخص‌تر شده است (قصاب‌زاده، ۱۳۹۰: ۳۲۹). سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی و افزایش همبستگی ملی بر بنیاد سیاست تکثرگرایی وحدت‌طلب دینی بنا شده است (ترابی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). انقلاب اسلامی ایران مهمترین جرقه آغاز خیزش و تقویت شیعه را به وجود آورد و شیعیان در کشورهای مختلف منطقه، آن را نقطه امید و ایران را مأمنی برای خود تصور می‌کردند (حاج‌یوسفی، ۱۳۸۸: ۱۶۲).

۳. ماهیت توزیع فضایی قدرت در قانون اساسی

توزیع فضایی قدرت به سازمان دهی سیاسی فضا اطلاق می‌شود، که بیانگر نحوه‌ی سازماندهی قدرت در اندام‌های فضایی به منظور ایفای نقش‌های سیاسی است (حافظ‌نیا و قالیباف، ۱۳۸۰: ۴۳). یکی از ویژگی‌های بارز قانون اساسی تمرکزگرایی قدرت سیاسی و اجرایی می‌باشد به گونه‌ای که قدرت سیاسی در کانون نظام سیاسی متمرکز شده است و واحدهای جغرافیایی فاقد قدرت سیاسی و اجرایی هستند. در واقع به دلیل تک ساخت بودن حکومت از یک سو و متمرکز بودن بعد سازمانی و اداری آن از سوی دیگر، قدرت سیاسی، اجرایی در فضای جغرافیایی کشور توزیع نمی‌شود (همان، ۱۳۸۱: ۲۷۹).

جدول ظرفیت‌های قانون اساسی در حوزه تنوعات اجتماعی

ردیف	عنوان حقوق و آزادی‌های ناشی از تنوعات اجتماعی
۱	قسط و عدالت میان مردم و کلیه شهروندان و نفی تبعیض‌های ناروا
۲	تساوی شهروندان در برابر قانون و تأمین امنیت قضایی عادلانه
۳	برادری اسلامی و تعاون عمومی در میان شهروندان
۴	به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های مذهبی قانونی
۵	به رسمیت شناختن حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های دینی قانونی
۶	به رسمیت شناختن فرهنگ‌های محلی و زبان‌های محلی در کنار زبان رسمی کشور
۷	نفی امتیازات نژادی و قومی
۸	آزادی افراد در داشتن عقاید و نفی تفتیش عقاید
۹	عدم منع به کارگیری در مناصب و مسئولیت‌های سیاسی و اجرایی

منبع (ترابی، ۱۳۸۸: ۱۴۴)

۴. وسعت سرزمینی و فضاهای خالی گسست آفرین در مرکز

با ثبات‌ترین عامل قدرت یک کشور، جغرافیای آن کشور است. عوامل جغرافیایی چون وسعت، شکل، موقعیت، وضع جغرافیایی، ناهمواری‌ها، منابع آب با قدرت دولت رابطه‌ی مستقیم دارند. هر یک از عوامل بدون در نظر گرفتن عوامل مرتبط دیگر ممکن است نه تنها عامل مثبت، بلکه نقش یک عامل منفی را ایفا کنند. هر جا که سرزمین‌های بی حاصل و گسترده مراکز جمعیت را از هم جدا کند، وسعت قلمرو یک دولت می‌تواند به صورت مانعی درآید، مگر اینکه وسایل ارتباطی مناسب گسترش یافته باشند (اعظمی، ۱۳۸۵: ۱۳۰). کشور با توجه به ضعف شبکه ارتباطی و قطبی شدن راه‌ها تحت تأثیر ساختار توپوگرافیک و گسیختگی‌های فضایی و ساختار سیاسی متمرکز و نظام حکومتی مرکزگرا، از وضعیت مناسبی برای معاشرت ملی برخوردار نیست. در این سیستم که ساختار فضایی آن شعاعی و به مرکزیت تهران است، از آغاز به گونه‌ای طراحی شده است که همه بخش‌ها و سکونتگاه‌ها را به تهران متصل سازد و ارتباطات بین منطقه‌ای، چندان مورد توجه نبوده است. این الگوی ستاره‌ای باعث شده است محورهایی که مناطق حاشیه‌ای دوردست را به مرکز متصل می‌کنند، ظرفیت کافی برای برقراری ارتباط میان این مناطق با تهران نداشته باشند؛ به

همین دلیل حضور فعال مردم جوامع دوردست، نظیر بلوچستان، هرمزگان، کردستان، ایلام در تهران اندک است (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۵). ضعف روند تحول در زمینه توسعه شبکه ارتباطی، بستری مناسب برای انزوای نسبی قلمروهای کردنشین بوده است. شبکه راه آهن ایران از نقطه نظر سازمان فضایی، قطبی است. شش شعاع اصلی با مرکزیت تهران به شمال، شمال خاوری، شمال باختری، جنوب و جنوب غربی و اخیراً ششمی به سوی جنوب خاوری کشیده شده است. در این میان، باختر کشور شامل استان‌های کردستان، همدان، کرمانشاه و ایلام فاقد هرگونه خط ریلی هستند؛ راه آهن قطور نیز هیچ یک از کانون‌های شهری آذربایجان غربی را پوشش نمی‌دهد. هرچند وضعیت توپوگرافیک زاگرس شمالی و میانی، توجیه طرح‌های ریلی از نظر هزینه‌های بالای آن را مشکل می‌سازد، اما واقعیت آن است که چنین خطی علاوه بر توجیه سیاسی-امنیتی، از نقطه نظر پیوند فضاهای فعالیت سه کشور ایران، ترکیه و عراق، شرایط ایده آلی به تصویر می‌کشد (کریمی‌پور و دیگران، ۱۳۸۸: ۱۱۱).

۵. پیشینه‌ی تاریخی و فرهنگی غنی

پیشینه دولت در فضای جغرافیایی فلات ایران به اوایل قرن هشتم پیش از میلاد باز می‌گردد. شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی باعث شد که اقوام ایرانی متحد شوند و نخستین دولت فراگیر را با نام دولت ماد و به مرکزیت هگمتانه تشکیل دهند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۷). منظومه فرهنگی ایران، محصول چند هزار ساله ملتی کهن و برآیند تعامل جمعی گروه‌های قومی است که هویت فرهنگی ایران را شکل بخشیده‌اند و هر یک به سهم خود بر آن لایه‌هایی گوناگون با مولفه‌های مثبت و منفی افزوده‌اند و در نهایت، در این هویت کلان فرهنگی مستحیل و خود بخشی از آن شده‌اند. هویت فرهنگی ایران چتر گسترده و فراگیری است که همه اقوام و گروه‌های قومی را در خویش جای داده است. از ویژگی‌های تاریخی ایران می‌توان به تنوعات فرهنگی و اجتماعی اشاره کرد که با این وجود همه گروه‌ها در اغلب ادوار تاریخی با همدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز داشته‌اند و هویت ایرانی بودن، آنان را در صف متحدی قرار داده است. به یک تعبیر، ایرانیان مردمی هستند

که با دیگران تفاوت فاحشی دارند؛ آنان از پیوند نژادهای مختلف به وجود آمده‌اند، ولی هویت خود را نگه داشته‌اند. این قوم اندیشه‌ها و منافع خود را به هم پیوسته و همانند یک تنه، به هم تنیده‌اند، به نحوی که هریک از آن تاروپود می‌تواند کشیده و دراز شود، بدون آنکه به هم گره بخورند (ترابی، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

۶. ژئوتوریست

گردشگری و توریسم با نزدیک کردن مردم و فرهنگ‌های مختلف نقش مهمی در اقتصاد جهانی بازی می‌کند و از آنجا که گردشگری نیز در چهارچوب یک سیستم از عرضه و تقاضا شکل می‌گیرد، رشد تجارت جهانی گسترش توریسم و گردشگری را در مناطق مختلف جهان در قالب تجارتي سودآور سبب می‌شود (فرمانی، www.tourismscience.ir). گردشگری به عنوان صنعتی نوپا در سال‌های اخیر تأثیرات زیادی بر وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جهان داشته است. ایجاد اشتغال، ارزآوری، تعادل منطقه‌ای، کمک به صلح جهانی، کمک به سرمایه‌گذاری در میراث فرهنگی، بهسازی محیط، کمک به بهسازی زیستگاه‌های حیات وحش، توسعه نواحی روستایی دارای جاذبه‌های گردشگری و جلوگیری از برون کوچی جمعیت و مانند آن، از جمله مزایای این صنعت بوده است (صدرموسوی، ۱۳۸۶: ۱۲۹).

۷. موقعیت نسبی و محوریت در نظریه‌های ژئوپلیتیک

براساس نظریه ی مکیندر، شمال ایران جزء ناحیه‌ی محوری هارتلند و دیگر قسمت‌ها جزء هلال داخلی (حاشیه‌ای) می باشد (زین العابدین، ۱۳۸۹: ۵۲). براساس نظریه اسپایکمن، ایران در محدوده‌ی سرزمین حاشیه یا ریملند قرار دارد، به اعتقاد وی، این منطقه امکان ترکیب قدرت بری و بحری را بهتر فراهم می‌سازد، از طرف دیگر بیشترین منابع نیروی انسانی و سهولت ارتباط در این بخش از جهان وجود دارد (عزتی، ۱۳۸۰: ۱۴). بر اساس نظریه برژنيسکی، آمریکا منطقه خلیج فارس را بعد از اروپا و امریکا، سومین خط دفاعی استراتژیک خود محسوب می‌کند. بنابراین کنترل مناطق و نقاط استراتژیک، به ویژه

تنگه هرمز، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. از مهمترین مبانی اهمیت و موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیکی خلیج فارس ذخایر عظیم نفت و گاز در آن است. حدود ۶۶ درصد ذخایر شناخته شده نفت جهان در این منطقه قرار دارد و حدود ۶۰ درصد نفت جهان از تولیدات نفتی هشت کشور نفتی خلیج فارس تأمین می‌شود (نامی و دیگران، ۱۳۹۱: ۱۴).

۸. ماهیت تحمیلی مرزهای سیاسی

ماهیت و فضای مسلط بر قراردادها و معاهداتی نظیر عهدنامه گلستان، عهدنامه ترکمنچای، قرارداد آخال، معاهدات ارزروم اول و دوم، حکمیت‌های سه گانه تعیین مرز در شرق کشور، ماهیت تحمیلی مرزهای ایران را محرز و مشخص می‌نماید که گواه آن، گسترش فرامرزی قومیت‌ها و شاخه‌های زبانی ایرانی می‌باشد. وضعیت مرزهای ایران نشان می‌دهد که این مرزها همراه با تحولات بین‌المللی در دو قرن نوزده و بیست و با کاهش قدرت سلسله قاجار روندی انقباضی داشته، بخش‌های وسیعی از کشور در شمال و شرق ایران جدا شده و در گذشته به تصرف امپراتوری‌های مجاور، روسیه و انگلیس در آمده است (حافظنیا، ۱۳۸۱: ۳۶۸). در محدوده مرزهای دریایی وجود مرزهای تعریف نشده بین ایران با عراق، کویت، امارات در خلیج فارس؛ ایران و پاکستان؛ امارات و عمان در دریای عمان و ایران، روسیه، ترکمنستان، آذربایجان و قزاقستان در دریای خزر، چونان چالش جدیدی در برابر ایران خودنمایی می‌کند.

۹. موقعیت ایران در دریای خزر

دریای خزر در شمال مرکزی ایران قرار گرفته است. قزاقستان در شمال، ترکمنستان در شرق، آذربایجان در غرب و روسیه در شمال غرب آن واقع شده است. وسعت آن ۴۶۰۰۰۰ کیلومتر مربع است. عمیق ترین بخش این دریا در ساحل ایران قرار دارد. طول ساحل ایران در این دریا ۶۵۷ کیلومتر است. این دریا تا قبل از فروپاشی شوروی به عنوان دریای ایران/ شوروی شناخته می‌شد. بعد از فروپاشی شوروی سهم ایران و روسیه کاهش پیدا کرد.

وجود منابع نفت و گاز و منابع غذایی دریایی به اهمیتی این دریا افزوده است (احمدپور و لشگری، ۱۳۸۹: ۲۲، ۱۵، ۴)

بررسی تاریخ روابط ایران و روسیه نشان می‌دهد که دو کشور در شرایط تاریخی با دیدگاه‌های متفاوت به یکدیگر نگریده‌اند. ایران در نزد روسیه و روسیه در نزد ایران از زمانی مورد توجه خاص قرار گرفتند که پترکبیر، دکترین معروف خود را مبنی بر ضرورت دسترسی به آب‌های گرم بیان کرد. در آن زمان روسیه شروع به گسترش قلمرو خود و کشورگشایی نموده و در نزد همسایگان جنوبی به تهدیدی خطرناک و جدی و کشوری غیر قابل اعتماد تبدیل شد (باباجانی، ۱۳۹۰: ۲). آنچه مایه شکل‌گیری اولین ارتباطات دو کشور شد اهمیت ژئوپلیتیک ایران برای روسیه بوده است. این نگاه نابرابر تا دوره پهلوی دوم که ژئوپلیتیک روسیه تا اندازه‌ای برای حکومت وقت مهم می‌شود، ادامه یافت؛ به طوری که می‌توان سایه سنگین مساحت، همسایگی و قدرت اتمی شوروی را بر جهت‌گیری‌های سیاست خارجی ایران مشاهده نمود. اما پس از انقلاب اسلامی، سیاست خارجی جمهوری اسلامی نه بر اساس منافع ملی و برگرفته از عوامل ژئوپلیتیک خود بلکه بیشتر بر مبنای نیازهای تکنولوژیک و حمایت سیاسی روسیه از ایران شکل گرفته است. و بر عکس، سیاست خارجی روسیه در قبال ایران متأثر از وزن ژئوپلیتیکی خود و عوامل ژئوپلیتیکی ایران بوده است.

سیاست خارجی ایران در برابر روسیه متأثر از عوامل ژئوپلیتیکی

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال روسیه متأثر از جایگاه ایران در نظام بین‌الملل و قطع ارتباط سیاسی با آمریکا است. بنابراین، آن چنان که شایسته بوده، نتوانسته است بر مولفه‌های روسیه استوار باشد. تحلیل زیر طرحی از سیاست خارجی ایران است که می‌تواند در قبال روسیه تأمین‌کننده منافع ملی ایران باشد:

۱. سیاست خارجی برآمده از عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر مساحت، قومیت و

بحران‌های قومی روسیه

روسیه پهناورترین کشور جهان است. که این امر هم مزیت و هم نوعی ضعف ژئوپولیتیک روسیه است. وسعت روسیه، عمق استراتژیک آن را زیاد می‌کند، اما ضامن بقای فدراسیون روسیه نیست؛ چرا که روسیه، کشوری با قومیت، مذهب و زبان یک دست نیست. کشوری فدراتیو است که شامل جمهوری‌ها و مناطق فدرال است که تا حدودی در اداره خویش آزاد هستند. اکثر این جمهوری‌ها اشتراکات فرهنگی با روسیه ندارند، بلکه یا دنباله فرهنگی خارج نزدیک روسیه هستند و یا پیوندهای فرهنگی با کشورهای همسایه دارند. همین امر به آسیب‌پذیری تمامیت ارضی آن افزوده است. ایران می‌تواند با تأکید بر قدرت نرم، تکثر قومی/زبانی و اسلام (عوامل ژئوپولیتیکی)، بر تمامیت ارضی روسیه و بحران‌های قومی آن مؤثر باشد. در داخل روسیه جمهوری‌های چچن، داغستان، تاتارستان، اوستیای شمالی که اکثریت جمعیت آنها بومی هستند یا پیوندهای نژادی و زبانی با ایران دارند و یا اشتراکات مذهبی و یا دنباله‌های قومی آنها در خارج نزدیک روسیه است. و یا بخشی از جمعیت آنها دنباله‌های قومی خارج نزدیک روسیه هستند، در معرض خطر تجزیه شونده قرار دارند. چنانچه ایران از این توان ژئوپولیتیک خود استفاده نماید می‌تواند با حمایت از جنبش‌های اسلامی و قومی در جمهوری‌های فدراسیون روسیه که ماهیت استقلال طلبانه دارند تجزیه فدراسیون روسیه را سرعت بخشد.

۲. سیاست خارجی برآمده از عوامل ژئوپولیتیکی مؤثر بر قدرت نظامی روسیه

روسیه در سایه نگرش ارواسیاگرایانه توسعه روابط با ایران را در دستور کار قرار داده است. ایران پس از هند و چین در زمره بزرگترین واردکننده سلاح از روسیه تلقی می‌شود، مهمترین کالا های نظامی که ایران از روسیه وارد می‌کند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود؛ زیردریایی الکتریکی دیزلی نوع کیلو؛ هواپیماهای جنگی میگ و سوخو و هواپیماهای شناسایی هوایی و جنگ الکتریکی ایلشین؛ بالگردهای ام-آی-۱۷، تانک تی ۷۲. تی ۹۰؛ انواع موشک‌انداز و توپ‌های دوربرد و موشک‌های سام و ایگلا و موشک‌های ضد هوایی اس ۳۰۰ و آموزش دانش جویان ایرانی در مراکز نظامی و فنی روسیه. (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۵۴). روسیه در راستایی بهبود زیر ساخت های دفاعی ایران اجازه تولید تجهیزات نظامی مورد

نیاز را داده است، حضور چشم‌گیری از کارشناسان نظامی روسی در ایران، در شرایطی که ایران از سوی غربی‌ها تحریم شده بود، از اهمیت ویژه برخوردار است. منافع متقابل و همکاری نظامی و فروش تسلیحات از جمله محورهای مهم مورد توجه روسیه در گسترش مبادلات دو کشور بوده است. تنها کالای رقابت با تولیدات غربی همین تولیدات نظامی است که با توجه به نیاز ساختار اقتصادی روسیه، مسکو در تلاش است، بازارهای موجود را حفظ و بازاری جدیدی به دست آورد. با توجه به تحریم ایران از سوی غرب، تأمین تسلیحات و نیازهای نظامی برای ایران یکی از اولویت‌های مهم در سیاست خارجی در دوره پس از جنگ تحمیلی و با فروپاشی شوروی و تحول ساختار نظام بین‌الملل به شمار می‌آید. هدف، ارتقاء بنیه نظامی، منابع مطمئن‌تر برای رفع احتیاجات نظامی است. در آن شرایط گزینه‌های پیش روی جمهوری اسلامی ایران، به کشورهای چین، کره شمالی و روسیه محدود شده بود. چین به دلیل فشار امریکا، حاضر به تأمین سلاح‌ها و تکنولوژی‌های مورد نیاز ایران نبود و کره شمالی نیز از نظر تنوع فناوری‌های جدید محدودیت‌هایی داشت. روسیه، به عنوان مناسب‌ترین طرف تأمین‌کننده جنگ افزار مطرح شد (صفری، ۱۳۸۴: ۱۴۰).

۳. سیاست خارجی برآمده از عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر فرهنگ روسیه

ایران و روسیه گام‌های مهم و چشم‌گیری در زمینه ارتقای مناسبات فرهنگی برداشته‌اند. از جمله؛ ایجاد تأسیس و تقویت ده‌ها مرکز ایران شناسی و زبان شناسی در روسیه؛ برگزاری چند مرحله هفته فرهنگی و برنامه‌های مشترک در زمینه فیلم، موسیقی و نمایشگاه‌های فرهنگی در دو کشور؛ تسهیلات کنسولی برای جهانگردان و توریست‌ها؛ انتشار ده‌ها کتاب، اعم از تألیف و ترجمه در زمینه شناخت بیشتر مردم دو کشور از یکدیگر؛ چاپ و انتشار فصلنامه فارسی و روسی در دو کشور؛ تقویت انجمن‌های دولتی و تنظیم سفرهای پیوسته فرهنگی بین دو کشور؛ همکاری دانشگاه‌ها و رسانه‌های بین دو کشور (همان، ۱۳۸۴: ۱۵۶).

۴. سیاست خارجی برآمده از عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر موقعیت روسیه در

دریای خزر

دریای خزر در چهار راهی واقع شده است که چندین سیستم منطقه‌ای را به هم متصل می‌کند: اروپا و خاورمیانه، قفقاز و آسیای مرکزی. به همین دلیل هم برای کشورهای همسایه آن و هم برای قدرت‌های جهانی اهمیت استراتژیک پیدا کرده است. به خصوص که بر اهمیت ذخایر هیدروکربنی آن مسائل امنیتی نیز افزون شده است. ایران در بهره برداری از منابع دریای خزر با محدودیت‌هایی روبرو است که مهم‌ترین آنها عدم داشتن دانش فنی لازم (وجود عمیق‌ترین بخش دریای خزر در آب‌های ایران)، تمایل روسیه به نظرات سه کشور قزاقستان، ترکمنستان و آذربایجان و ورود آمریکا و کشورهای فرامنطقه‌ای به مسائل دریای خزر است. آن چه باعث انفعال ایران در موضوع دریای خزر شده، قطع ارتباط با آمریکا و نیاز به حمایت سیاسی روسیه در نظام بین‌الملل است. ایران با یک دید واقع‌گرایانه به نظام بین‌الملل می‌تواند موقعیت نظامی خود را در دریای خزر افزایش دهد و با بهبود مناسبات با کشورهای غربی، توان فنی خود را در بهره‌برداری از منابع خزر افزایش دهد. این امر به تضعیف موقعیت روسیه در این دریا کمک می‌کند (احمدپور و دیگران، ۱۳۸۹: ۵).

۵. سیاست خارجی برآمده از عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر اتحادیه اقتصادی

جدید اورآسیا

اتحادیه اوراسیا سازمانی جوان و نوپا است، اقتصادهای بزرگی مانند روسیه، ارمنستان، بلاروس و قزاقستان را در بر می‌گیرد. هر اتحادیه‌ای می‌تواند در ایجاد امنیت، توسعه‌ی روابط، و برطرف کردن موانع حضور کشورها برای فعالیت آزاد تجاری مؤثر باشد. ایران هرگز در صدد درگیری با هیچ کشور و همسایه‌ای نبوده است. جمهوری اسلامی اثبات کرده است، تنها به دنبال دفاع از منافع خویش است. ایران و روسیه در جهت تقویت بنیه دفاعی، همکاری مشترک زیادی داشته‌اند، حتی مانور نظامی مشترک نیز انجام داده‌اند. همکاری ایران و روسیه در مسئله سوریه، کنترل مسائل تروریستی، دفع مسئله فتنه‌ی داعش،

نزدیکی دو کشور را بیش از پیش تقویت می‌کند. نگاه خاص اعضای شورای امنیت، در مورد مسئله صلح‌آمیز هسته‌ای ایران فصل مشترکی بین ایران و روسیه ایجاد کرده است. ایران از نظام بین‌الملل توقع نگاه عادلانه‌ای دارد که به نفع مردم منطقه و کشورهای تحت فشار و ظلم باشد. روسیه هم، با تمام وجود تبعات نگاه ناعادلانه را در تحریم‌های غربی و افزایش فشارها لمس کرده است. با توجه به تحولات اخیر، شکاف در حوزه‌های اقتصادی و امنیتی بین روسیه و اتحادیه‌ی اروپا تشدید شده است. نگاه انتقادی به غرب به نفع ایران است تا بتواند با کشورهای منطقه نظیر؛ چین، هند و روسیه همکاری مناسبی در زمینه اقتصادی، امنیتی و دفاعی داشته باشد؛ همچنین دو مجمع شانگهای، بریکس و اتحادیه اوراسیا غالباً بازتاب نگاه اقتصادی هستند تا منافع سیاسی. کشورهای برتر و نوظهور اقتصادی دنیا در این گروه‌ها جمع شده‌اند. در شانگهای نگاه امنیتی هم به آن اضافه شده است. با توجه به این که در هنگام تأسیس شانگهای، ایران به عنوان عضو ناظر حضور داشته و شرایط عضویت کامل آن را نیز داراست، بنابراین اولویت اول عضویت، در شانگهای است. سپس می‌تواند با تقویت زیرساخت‌های اقتصادی و رفع مشکلات پیش رو به بریکس بپیوندد (سقائیان، ۱۳۹۳: ۲-۳).

۶. سیاست خارجی برآمده از عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر آسیای مرکزی

سیاست خارجی ایران در آسیای مرکزی بر خلاف جوسازی رسانه‌ای غرب که در صدد بودند از ایران چهره بنیادگرا و خاکستری ارائه کند، مدعی بودند که ایران در تلاش است دولت‌هایی مانند خود در منطقه به وجود آورد (سجادپور، ۱۳۷۲: ۱۱). اما واقعیت چیزی دیگر بود، بر خلاف ادعاها، سیاست خارجی ایران بیشتر سمت‌گیری اقتصادی فرهنگی داشت نه مذهبی به معنای صدور انقلاب توسط رسانه‌های غرب دامن زده می‌شد. البته روسیه نیز در سال‌های اول پس از سقوط شوروی، نسبت به ایران نگاه مثبت نداشت این نگاه با سیاست مدبرانه‌ای که دو کشور و به ویژه ایران در پیش گرفت، سیاست مقابله و رقابت جای خود را به همکاری برای صلح و ثبات در منطقه داد (خلیلی، ۱۳۹۰: ۲۵). نقش ایران در حل منازعات منطقه‌ای بسیار مثبت بود؛ چرا که همکاری دو کشور در مجموعه‌ای

از مسائل به ویژه در حل بحران تاجیکستان و مراحل نخست بحران قره باغ به خوبی هم پوشی داشتند. روسیه به مرور به نقش ایران به عنوان یک قطب در جهان اسلام در مقابله با تهدیدی که روسیه آن را بنیادگرایی مذهبی در منطقه تلقی می‌کرد بسیار حائز اهمیت بود؛ لذا، سیاست معتدل و غیرمقابله‌گرایانه ایران برای این کشور دست آوردهای مثبت داشت.

متغیرهای ژئوپولیتیک تأثیرگذار بر تغییر رویکرد ایران با نگاه به شرق

در واقع، به مهم‌ترین متغیرهای ژئوپولیتیک تأثیرگذار بر تغییر رویکرد ایران به نگاه به شرق با تأکید بر روسیه بین سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۱۶ می‌پردازیم:

۱. سیاست خارجی برآمده از عوامل ژئوپولیتیکی مؤثر بر خارج نزدیک روسیه

خارج نزدیک روسیه به سرزمین‌هایی گفته می‌شود که بعد از فروپاشی شوروی مستقل شدند. روسیه پس از فروپاشی شوروی برای جذب سرمایه‌های غربی، سیاست مسامحه و پذیرش ضمنی حضور نظامی آمریکا در خلیج فارس و خارج نزدیک خود را پذیرفت. اما دیری نپایید پی برد که بی‌ثباتی در مناطق ژئوپولیتیکی نزدیک روسیه، باعث به خطر افتادن منافع روسیه و از دست رفتن کشورهای آسیای مرکزی که حیات خلوت روسیه هستند می‌شود. به همین خاطر روسیه سعی نمود با ارتباط بیشتر با ایران و عربستان تا حدودی از حمایت این کشورها از بنیادگرایی و نفوذ آنها در آسیای مرکزی و جمهوری‌های روسیه بکاهد (علی زاده و دیگران، ۱۳۸۶: ۴۶). در این میان، ایران به عنوان یک رقیب جدی منافع روسیه را در خارج نزدیک تهدید می‌کند. ایران یکی از کهن‌ترین و ماندگارترین کشورها در طول تاریخ بوده است که تا ۳ قرن پیش، وسعت مساحت آن تقریباً ۳ برابر وسعت امروزی بوده است. بسیاری از سرزمین‌هایی که امروزه به عنوان خارج نزدیک روسیه محسوب می‌شوند بخشی از خاک ایران بوده‌اند (مجتهدزاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۷). این پیوند تاریخی/ فرهنگی در کشورهای تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان، آذربایجان و سرزمین‌های قفقاز شمالی کاملاً چشمگیر است؛ به طوری که، تاجیک‌ها، آذری‌ها، تات‌ها،

اوستی‌ها و کردهای ساکن در این مناطق، بخشی از اقوام ایرانی هستند و زیان آن‌ها شاخه‌ای از زبان‌های ایرانی است. همه آنها مسلمان و در مواردی مانند آذربایجان قرابت مذهبی با ایران دارند. استفاده مناسب ایران از این ظرفیت تاریخی- فرهنگی و مذهبی می‌تواند ایران را جایگزین روسیه در آسیای مرکزی کند و چه بسا زمینه پیوندهای گسترده‌تر و احیای امپراتوری فرهنگی ایران را فراهم کند. حوزه‌های همکاری روسیه و ایران در آسیای مرکزی، مسئله امنیت و ثبات این منطقه است. بر همین اساس هرگونه تنش و ناامنی در این منطقه برای روسیه و ایران که دارای محیط امنیتی مشترک هستند، تهدیدزا است. روابط روسیه با جمهوری‌های خارج نزدیک اصولاً تأثیرات فوری بر سیاست داخلی روسیه و میزان شفافیت، توانایی و قدرت نفوذ آن در تنظیم رابطه با خارج دارد. در دکتین سیاست خارجی روسیه تشکیل کمربندی از همجواری مسالمت‌آمیز پیرامون مرزهای این کشور و تلاش برای نابودی زمینه‌های تنش و درگیری و پیشگیری از پیدایش مشکلات در مناطق نزدیک به روسیه به عنوان یکی از اهداف اصلی سیاست خارجی روسیه تعریف شده است؛ لذا، ایران تنها کشوری است که با این حوزه مرز مشترک دارد و این ویژگی جغرافیایی باعث شده تا نقش ممتازی در سیاست خارجی روسیه پیدا کند. زمینه دیگر همکاری ایران و روسیه در آسیای مرکزی مسئله انتقال انرژی این منطقه است. امروزه استراتژی تأمین یا فروش انرژی، ژئوپلیتیک آسیای مرکزی را با توجه به اهداف محلی، منطقه‌ای و جهانی به این سو و آن سو می‌کشاند. تمایل این جمهوری‌ها به غرب از یک سو و وابستگی امنیتی به روسیه از سوی دیگر بر شک و تردید آنان می‌افزاید. همکاری ایران و روسیه ظاهر قضیه‌ی تعاملات این دو کشور بوده، ولی در واقع روسیه به ایران به عنوان یک رقیب بالقوه نگرسته و از ورود و حضور ایران در فعالیت‌های مرتبط با صدور و ترانزیت انرژی در منطقه جلوگیری می‌کند؛ همچنین، یکی دیگر از مسائل مشترک برای همکاری روسیه و ایران در آسیای مرکزی، مسئله ترانزیت مواد مخدر است. در زمان حکومت طالبان سطح همکاری روسیه و ایران بیشتر بود، در حال حاضر افغانستان از میانمار و لائوس در تولید مواد مخدر جلو افتاده است. حدود دو سوم کل معتادان جهان از تولید غیرقانونی

افغانستان که ۹۰ درصد تولید جهانی را داراست، استفاده می‌کنند و حدود ۸۰ درصد اقتصاد افغانستان به تریاک وابسته است. راه شمالی ترانزیت مواد مخدر ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان است که حدود ۹۵ درصد مواد از تاجیکستان عبور می‌کند و راه مرکزی ترانزیت ایران است. اگر مرزبان‌های روسی، تاجیکستان را ترک کنند اوضاع وخیم‌تر خواهد شد. راه دیگر، پاکستان است که مواد مخدر از طریق بندر کراچی به جنوب آسیا و حوزه خلیج فارس ترانزیت می‌شود؛ بنابراین یکی از حوزه‌های بالقوه همکاری روسیه با ایران می‌تواند بر محور چگونگی مبارزه با ترانزیت مواد مخدر افغانستان شکل بگیرد (علی زاده و بردبار، ۱۳۸۶: ۵۵-۵۷).

۲. سیاست خارجی برآمده از عوامل ژئوپلیتیکی و همکاری‌های راهبردی ایران

و روسیه براساس منافع متقابل

تعمیق همکاری و وارد شدن در فضای راهبردی، هم‌شدنی است و هم می‌تواند بین ایران و روسیه شکل گیرد، اما یکی دیگر از الزامات و پیش‌نیازهای آن در نظر گرفتن نفع متقابل و دوری از یکجانبه‌نگری است. عواملی در تقویت همکاری‌های ایران و روسیه در منطقه خاورمیانه نقش دارند یکی به توان بالای کنشگری ایران در کشورهای عراق، افغانستان، سوریه، لبنان و فلسطین مربوط است و عامل دیگر مربوط به انقلاب‌های عربی و روی کار آمدن حکومت‌های متمایل به غرب که در تعارض با منافع روسیه و ایران است و زمینه را برای همکاری و منافع متقابل بیشتر این دو کشور برای جلوگیری از سناریوهای همانند فراهم می‌کند. در سند تدبیر سیاست خارجی روسیه خاورمیانه در اولویت پنجم منطقه‌ای سیاست خارجی مسکو قرار دارد. از دوران پوتین نگاه به منطقه خاورمیانه و احیای ارتباط با متحدین سابق جان گرفته و روابط با دیگر کشورها نیز از سر گرفته شده است. اولویت‌های سیاست خارجی این کشور در منطقه، رابطه با کشورهای ایران، ترکیه، عراق و کشورهای جنوبی خلیج فارس بوده است. همچنین برای روسیه روابط با کشورهای سوریه، مصر، اردن، لبنان، فلسطین و اسرائیل اهمیت دارد. در حقیقت، مواضع دو کشور

ایران و روسیه نسبت به صلح خاورمیانه متفاوت بوده است. در حالی که ایران روند سازش را ناعدلانه می‌داند، روس‌ها روابط گرمی با اسرائیل دارند. اسرائیل پس از ترکیه دومین شریک تجاری عمده روسیه در خاورمیانه است؛ علاوه بر آن نزدیک به یک میلیون روسی در اسرائیل سکونت دارند و این عامل مهمی برای روابط فرهنگی روسیه و اسرائیل است، روابط دیپلماتیک نزدیک و همکاری فنی/نظامی دو کشور نیز در وضع مساعدی است. اگرچه ایران و روسیه در موضوع سوریه، در یک موضع قرار دارند، اما باید قیمت‌گذاری نمود که همکاری ایران در دریای خزر یا پایگاه نوژه برای روسیه چقدر ارزش دارد و برای مسکو که به دنبال بازگشت به خاورمیانه است چه امکانی را فراهم می‌سازد؟ حال این سوال مطرح می‌گردد که روسیه آیا در مقابل این اقدام ایران، حاضر است در موضوعاتی مانند دسترسی ایران به بازار انرژی اروپا، صادرات گاز به قفقاز و اوکراین، دسترسی ایران به تسهیلات بندری در شمال دریای خزر و یا رژیم حقوقی این دریا، نرمشی از خود نشان داده و حقوق و جایگاه ایران به نحو شایسته‌ای تأمین گردد. این عامل یکی از پایه‌های مهم قضاوت و شکل‌گیری همکاری‌ها در تعاملات راهبردی است و از نگاه جامعه افکار عمومی پنهان نمی‌ماند؛ لذا، بحران‌های منطقه‌ای و جریان‌های تروریستی و افراط‌گرایی که در این مناطق تجمع کرده‌اند منبع تهدید و نگرانی برای کل منطقه، کشورهای فرامنطقه‌ای و به طریق اولی برای ایران و روسیه هستند. نقش آفرینی روسیه با اهداف ژئوپلیتیک و مقابله با جریان تروریستی که اهداف ضد روسی آنها نیز بسیار قوی است یک زمینه بسیار مثبت برای تعامل تهران و مسکو است و روس‌ها نیز به نقش و اهمیت ایران در مقابله با این خطر و جلوگیری از نزدیک شدن تهدیدها به مرزهای خود واقف هستند اما این نکته نیز باید مدنظر قرار گیرد که آیا همه گزینه‌ها و امکان‌ها برای همکاری بکار گرفته شده است و هیچ فرصت و امکان بر زمین مانده‌ای وجود ندارد؟ در این زمینه، البته باید به قدرت نرم جمهوری اسلامی در منطقه و میان لایه‌های مردمی نیز توجه نمود که از اسباب‌ها و بسترهای الهام بخشی قدرت ایران هستند و ارزش و منزلت خود را دارد (حسینی: ۱۳۹۵).

۳. سیاست خارجی برآمده از عوامل ژئوپولیتیکی مؤثر بر قدرت اقتصادی

روسیه

امروزه اعمال تحریم اقتصادی به عنوان ابزاری در جهت تضمین اجرای قواعد بین‌المللی و حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی، اهمیت فراوانی یافته است. این اقدام از منظر حقوق بین‌الملل در شرایطی خاص مشروع است، مگر آن که هدف از آن اعمال فشار و سلطه بر سایر کشورها و یا مغایر با تعهدات قراردادی کشورها باشد. البته اعمال تحریم‌های اقتصادی حتی در مواردی هم که مشروعیت دارد، منوط به رعایت قواعد بین‌المللی است و تابعان حقوق بین‌الملل باید در اعمال تحریم‌های اقتصادی، برخی محدودیت‌های حقوقی را بپذیرند و در چهارچوب آن اقدام نمایند. البته تحریم‌های اقتصادی علیه کشورها دارای سابقه‌ای بسیار طولانی در حقوق بین‌الملل است؛ لذا در شرایط امروز جامعه بین‌الملل، جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشوری که به دلیل فعالیت‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خود، بیش از پیش تحت فشار بین‌المللی و تحریم‌های غرب در سطح وسیعی قرار دارد، مطرح است. زمانی که ایران اقدام به تولید انرژی هسته‌ای در داخل نمود، با فشارهای بین‌المللی شدیدی مواجه شد، که مصداق بارز آن قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت و اعمال تحریم‌های مختلف علیه جمهوری اسلامی ایران است که در جهت ایجاد الزام به خاتمه تولید سوخت هسته‌ای صورت گرفته است. از این رو، تصویب قطعنامه ۱۹۲۹ شورای امنیت با هدف وادار کردن ایران به پذیرش شرایط غرب، ادامه روندی است که جامعه جهانی در خصوص برخورد با مسئله هسته‌ای ایران اتخاذ کرده است؛ زیرا در دیدگاه غرب، تنها در شرایط فشار شدید بین‌المللی، ایران مواضع هسته‌ای خود را تغییر خواهد داد و چنین دیدگاهی نشان از عدم درک صحیح غرب، به‌خصوص آمریکا از مواضع دولت جمهوری اسلامی ایران در رابطه با برنامه هسته‌ای‌اش دارد؛ از این رو، می‌توان روسیه و چین را جزو کشورهایی به حساب آورد که علی‌رغم رأی مثبت به قطعنامه شورای امنیت، با اعمال

تحریم‌ها علیه ایران، به‌طور جدی موافق نبوده و مذاکره را بهترین راه حل برای حل مسئله هسته‌ای ایران می‌شناسد (فرخ سیری، ۱۳۷۸: ۳۰).

بر خلاف توسعه روزافزون همکاری‌های سیاسی/ نظامی میان ایران و روسیه، مناسبات اقتصادی، هیچ‌گاه به وضعیت قابل قبول ارتقاء نیافت، یعنی این که، حجم مبادلات تجاری و همکاری‌های اقتصادی دو کشور به فراخور ظرفیت‌های موجود توسعه نیافت. شرایط بین‌الملل و تلاش آمریکا برای ایجاد نظمی هژمونیک به رهبری خود، ایران و روسیه را به طور فزاینده‌ای در این مقطع از تاریخ نزدیک ساخت. با تعمیق و توسعه تمایلات اوراسیاگرایانه در سیاست خارجی روسیه و برجسته شدن اهمیت خاورمیانه و کشورهای آسیایی در سیاست خارجی آن، ایران در شرایط تعامل با آمریکا همواره روابط سیاسی/ نظامی رو به بهبودی را با روسیه تجربه کرد. علائق سیاسی/ امنیتی دو کشور در آسیای مرکزی و قفقاز این همکاری را سرعت بخشید (کولایی، ۱۳۷۶: ۱۳۴). البته از سال ۱۹۹۵ حجم تجاری بین دو کشور ۴۰ درصد افزایش یافت. در این سال، ۴۹۰ میلیون دلار کالا به ایران صادر کرده بود، ایران ۶۰ میلیون دلار کالا به روسیه صادر کرد، ولی در عین ارقام مذکور، حاکی از سقف پائین بودن روابط اقتصادی دو کشور است. این به این معنی خواهد بود که ظرفیت دو جانبه به خوبی مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. یعنی این که در حد و اندازه‌های استراتژیک نبوده است. اگر چه در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ - ۲۰۰۶ و بعد از آن مبادلات اقتصادی دو کشور از رشد چشمگیری برخوردار بوده‌اند، اما شرکای مهم برای یکدیگر به شمار نمی‌آیند؛ لذا، آذر ماه سال ۱۳۷۵، کمیسیون مشترک همکاری اقتصادی دو کشور برای اولین بار در مسکو تشکیل شد، در این نشست موضوعات فی‌ما بین در قالب پنج کمیته اقتصادی و تجاری، صنعت برق، حمل و نقل، ارتباطات و هماهنگی فعالیت‌ها بررسی گردید. عمده‌ترین موافقتنامه‌ها در زمینه همکاری تجاری و اقتصادی بود. بر اساس یادداشت تفاهم امضاء شده، قرار شد دو کشور در زمینه صنعت و معدن، ماشین‌سازی، انرژی اتمی، پست و مخابرات، مترو، کشتیرانی و راه آهن همکاری نمایند (کرمی، ۱۳۸۸: ۱۴۳). همچنین توافق گردید ایران و روسیه به منظور افزایش امکانات حمل بار دریای خزر

و بالا بردن حجم مبادلات کالا میان دو کشور یک شرکت مشترک کشتیرانی تشکیل شود. از سوی دیگر ایران و روسیه در راستای فراهم کردن امکانات مخابرات در منطقه طرح اتصال مخابراتی مسکو / بندرعباس را به اجرا در خواهند آورد (همان: ۱۵۵). در سال ۱۹۹۸-۱۹۹۹ میزان معاملات دو کشور از مرز ۵۰۰ میلیون دلار گذشت. حجم مبادلات دو کشور در سال ۲۰۰۰ حدود ۷۰۰ میلیون دلار بود و در سال ۲۰۰۱ از مرز یک میلیارد دلار فراتر رفت، اما بیشتر این مبادلات به واردات ایران از روسیه اختصاص داشته، به طوری که مثلا در سال ۱۹۹۸، واردات روسیه از ایران ۷۰ میلیون دلار بوده است. و این نشان می‌دهد که تا چه اندازه ایران تراز پرداخت منفی داشته است. در حقیقت می‌توان گفت که زمینه مناسبی برای همکاری ایران و روسیه در زمینه اقتصاد و تجارت فراهم است، اما باید قوانین تجاری دو کشور اصلاح و موانع برای صادرات کالای جمهوری اسلامی ایران به روسیه برطرف شود. هنگامی که قوانین تجاری دو کشور اصلاح شود، می‌تواند منجر به توسعه روابط اقتصادی و تجاری گردد. اگرچه تهدیدها در رابطه با ایران و روسیه (به خصوص تهدیدها و تحریم‌های ناعادلانه‌ی غرب) مشترک است. روسیه بعد از تحریم‌های غرب، شوک سنگین اقتصادی را تجربه کرده است. روسیه می‌تواند از این تجارب ایران استفاده کند. لذا، تحریم‌ها می‌توانند بستری برای افزایش راهبردی روابط ایران و روسیه باشند. تحریم‌ها تهدیدی هستند که باید به فرصت تبدیل شوند. این دو کشور و نیز سایر کشورها می‌توانند به اتحادیه‌ی پولی بپیوندند. پیشتر زمینه‌ی این نوع همکاری‌های دو جانبه‌ی میان ایران و ترکیه و کشورهای دیگر وجود داشته است. روسیه از این مسئله استقبال کرده است و پیشنهادهایی هم در این زمینه میان طرفین مبادله شده است. مضافا آنکه، ایران و سایر کشورهای تولید کننده‌ی گاز همکاری‌های خوبی با روسیه داشته‌اند (سقائیان، ۱۳۹۳: ۱).

۴. سیاست خارجی برآمده از عوامل ژئوپولیتیکی مؤثر بر انرژی روسیه، نیروگاه

هسته‌ای بوشهر و اس-۳۰۰ سامانه موشکی

دولتمردان روسیه تصمیم خود به استفاده از انرژی به عنوان سلاح سیاسی را در سند راهبرد انرژی روسیه تا سال ۲۰۲۰ که در ۲۰۰۳ منتشر شد علنی کرد. در این سند منابع انرژی، مبنایی برای توسعه اقتصادی و سازوکاری برای تنظیم سیاست داخلی و خارجی ارزیابی و تأکید شده نقش روسیه در بازار جهانی انرژی جهانی تا حدود زیادی نفوذ ژئوپلیتیک آن در عرصه بین‌الملل را مشخص می‌کند (نوری، ۱۳۸۶: ۲۹). استفاده سیاسی روسیه از گاز باعث شد تا اروپا به فکر تأمین گاز مورد نیاز خود از منابعی به غیر روسیه باشد به همین دلیل از طرح ناباکو که توسط پنج شرکت غیر دولتی برای انتقال گاز کشورهای آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه ایجاد شده بود حمایت کرد. ایران با اینکه دومین ذخایر گازی جهان را پس از روسیه دارد به دلیل مخالفت آمریکا، عدم داشتن دانش فنی و قوانین مجلس نتوانست از این طرح استفاده کند (حجت شمامی، ۱۳۸۸: ۲۴-۲۲). زمینه‌های همکاری و همگرایی بین دو کشور در حوزه انرژی نفت و گاز وجود دارد. در واقع، نیروگاه هسته‌ای بوشهر یکی از نیروگاه‌های ایران و اولین نیروگاه هسته‌ای ایران از نوع رآکتور آب فشرده مدل VVER با ظرفیت تولید ۱۰۰۰ مگاوات است. شرکت روسی اتم‌ستروی‌اکسپورت پیمانکار اصلی این نیروگاه است. مراحل ساخت این نیروگاه در فضای سیاسی منحصر به فردی انجام شده است. ساخت این نیروگاه در سال ۱۳۵۴ توسط شرکت‌های آلمانی آغاز شد. پس از انقلاب ساخت آن متوقف شد و در سال ۱۳۷۴ قراردادی میان ایران و روسیه برای تکمیل آن به امضاء رسید. تکمیل نیروگاه تا شهریور ۱۳۹۰ طول کشید. در این سال نیروگاه بوشهر تولید برق را آغاز کرد و با توان ۷۰۰ مگاوات فعالیت می‌کند. اس-۳۰۰ سامانه موشکی سطح به‌هوای دوربرد و خودکشی با قابلیت استفاده در تمامی ارتفاع‌هاست که در ابتدا برای رهگیری هواپیماها و موشک‌های کروز ساخته شده و بعدها توانایی رهگیری موشک‌های بالیستیک نیز به آن افزوده شد. اس-۳۰۰ پی‌ام‌او یکی از مرغبارترین موشک‌های زمین به هوای قابل استفاده در تمامی ارتفاع‌ها به شمار می‌رود که توانایی پیگیری همزمان ۱۰۰ هدف و درگیری با ۱۲ هدف را دارد. روسیه در سال ۲۰۰۷، قراردادی را برای فروش موشک‌های اس ۳۰۰ به ایران به ارزش ۸۰۰ میلیون دلار را امضا

کرد. مسکو در سال ۲۰۱۰ و در پی قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل برای متوقف کردن فروش سلاح به ایران به خاطر برنامه انرژی هسته‌ای مناقشه برانگیز آن، این قرارداد را معلق کرد. پس از آن، ایران علیه شرکت دولتی صادرات سلاح روسیه روسوبورون اکسپورت در دادگاه مصالحه و داوری ژنو اقامه دعوا کرد و روسیه نیز به ایران پیشنهاد یک مصالحه را داد که براساس آن سامانه موشکی دفاع هوایی آنتی-۲۵۰۰ را به ایران تحویل دهد، اما ایران این پیشنهاد را رد و بر اجرای توافقنامه اصلی تأکید کرد. هم اکنون، با توافقی که در لوزان سوئیس صورت گرفت، پوتین دستور تحویل این سامانه را صادر کرده است (کرمی، ۱۳۸۹: ۱۵۵).

۵. سیاست خارجی برآمده از عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر هیدروپلیتیک با تأکید

بر رژیم حقوقی دریای خزر

مسأله‌ی کمبود آب و کاهش تدریجی آن، موجب شده است که آب نقش اساسی‌تری در شکل‌دهی به روابط سیاسی جوامع بشری ایفا کند و به عنوان یک موضوع ژئوپلیتیک بر روابط کشورها تأثیر بگذارد. به طوری که هاگت در مدل خود ۶ مورد، از ۱۲ موردی را که موجب تنش و بحران بین دو کشور می‌گردند، مرتبط با موضوعات آبی دانسته است (مختاری، ۱۳۸۷: ۱۳۲). هیدروپلیتیک را مطالعه‌ی نقش آب در مناسبات و مناقشات اجتماعات انسانی و ملت‌ها و دولت‌ها می‌دانند اعم از آنکه در داخل کشورها و یا بین آنها و دارای ابعاد فراکشوری، منطقه‌ای، جهانی و بین‌المللی باشد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۷۶). دریاچه‌ی خزر، از نظر حقوقی جزو آب‌های کشورهای ساحلی است و مالکیت آن منحصر به همین کشورهاست. خزر، دریا محسوب نمی‌شود تا تابع مقررات حقوق دریایی و یا حقوق بین‌الملل دریاها قرار گیرد. معاهده‌ی دوستی ۱۹۲۱ و موافقتنامه‌ی بازرگانی و بحریمایی ۱۹۴۰ که بین ایران و شوروی، به امضاء رسید، رژیم حقوقی دریاچه‌ی خزر را شکل داده‌اند؛ ولی، پس از فروپاشی شوروی، سه کشور تازه استقلال یافته‌ی همجوار خزر، آذربایجان، ترکمنستان و قزاقستان، معاهدات مزبور را بی‌اعتبار قلمداد و آنها را به عنوان اسنادی که

تاریخ مصرفشان گذشته، محسوب می‌کنند (ارشدی، ۱۳۸۶: ۱۳۴). مسأله‌ی تعیین رژیم حقوقی دریای خزر، مهمترین عنصر تأثیرگذار در تعیین مناسبات دو کشور ایران و روسیه است. از آنجا که مسأله‌ی خزر یک مسأله‌ی سرزمینی است، از لحاظ تأمین منافع ملی و افکار عمومی دو کشور، از حساسیت خاصی برخوردار شده است (فلاح، ۱۳۸۹: ۱۳۱). در واقع، پس از تجزیه اتحاد شوروی به ۱۵ کشور و تبدیل دو کشور ساحلی دریایی به ۵ کشور، ایران پیش از آن تنها با روسیه همسایه بود، پس از آن با کشورهای آذربایجان، ترکمنستان، قزاقستان نیز به عنوان کشورهای مستقل در مسائل بهره‌گیری از منابع گوناگون این دریاچه، وارد مرحله‌ای از چالش‌های همه‌جانبه گردید. پیش از آن همانطور که گفته شد، قرار دادهای ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ روابط ایران و شوروی را در پیرامون دریا خزر روشن کرده بود (نوری، ۱۳۸۶: ۱۲۶). هر چند محتوای این توافق‌ها هیچ وقت اجرا نمی‌شد، ولی هر دو کشور در خصوص بهره‌برداری از منابع دریایی به توافق‌های عملی دست یافته بودند. پیش از این هیچ یک از آنها به کشورهای خارجی حق ورود به این دریاچه را نمی‌دادند، ولی با سقوط شوروی، خزر به عرصه بازی بزرگ جدید تبدیل شد (کولایی، ۱۳۷۶: ۱۳۷). شرکت‌های بزرگ نفتی به امید دسترسی به منابع نفت و گاز در زیر بستر دریای خزر که به طور مبالغه‌آمیزی تا سقف ۲۰۰ میلیارد بشکه برآورد می‌شد، فعالیت‌های گسترده‌ای را سازمان دادند. کشورهای منطقه نیز برای جلب حمایت‌های لازم بین‌المللی و حمایت از منافع خود در برابر نفوذ روسیه، روند گسترش نفوذ این حمایت‌ها را شدت بخشیدند (همان: ۱۳۷). ایران در موضوع دریای خزر، از نخستین سال‌های سقوط شوروی پیشنهاد ایجاد سازمان همکاری ساحلی دریای خزر را مطرح کرد. ابتدا، این طرح چندان باب میل مسکو واقع نشد. اما پس از طرح موضوع اکتشاف منابع انرژی در این دریاچه و هجوم شرکت‌های غربی از سال ۱۳۷۳ به بعد مسکو، دو واکنش موازی از خود نشان داد؛ اول، تأکید بر قراردادهای ۱۹۱۲ و ۱۹۴۰ بین ایران و شوروی که تضمین‌کننده حضور فیزیکی و بدون محدودیت شناورهای غیر نظامی و نظامی آنها در این دریاچه بود، دوم، کوشش همراه با موفقیت جهت حضور در شرکت‌ها و کنسرسیوم‌های بهره‌برداری از منافع دریای خزر (کرمی، ۱۳۸۹:

۱۴۶). همین‌طور، روسیه همسو با ایران با تأکید بر قراردادهای پیشین اعلام کردند که تا شکل‌گیری توافق جدید در میان کشورهای تازه استقلال یافته، رژیم حقوقی پیشین اعتبار قانونی دارد. با سیاست‌های آذربایجان که تلاش داشتند آمریکا را وارد بازی نمایند مخالفت ورزیدند. و به‌طور مستمر با این سیاست‌های غیردوستانه مخالفت کردند، اما در سال ۱۹۹۸ دولت روسیه با قزاقستان در مورد نحوه تقسیم حوضچه‌های دریاچه در مرز خود به توافق رسیدند (کولایی، ۱۳۷۶: ۱۳۸).

روسیه، ایران را در دریای خزر تنها گذاشت، با آذربایجان نیز به توافق رسید. در هر حال، با این موضوع ایران تا حدودی زیادی از موضع روسیه در خزر پیروی کرده است. اما نتایج قابل قبول برای این کشور به بارو نیاورد، موضع ایران از ابتدا بدین شکل بود که دریای خزر بر اساس عهدنامه‌های ۱۹۲۱ و ۱۹۴۰ میان ایران و شوروی، مشترک و متعلق به هر دو کشور بوده و به استثنای ۱۰ مایل از ساحل دو کشور که منطقه استفاده انحصاری است، هر گونه مرز آبی دو کشور تعیین نشده است. در نتیجه، ایران از ابتدا خزر را به عنوان یک کوندومینیوم نگاه کرده است. البته این بدین معنا نیست که ایران هیچ‌گونه تقسیم دریای خزر را نیز نپذیرفته، بلکه قائل به این است که در صورت تقسیم، سهم ایران نباید از ۲۰ درصد کمتر باشد. مطابق دیدگاه ایران، هر گونه اقدام یک جانبه از سوی کشورهای ساحل خزر در عقد قرارداد با دیگر کشورها با شرکت‌ها برای استفاده از منابع این دریا قبل از تعیین رژیم حقوقی جدید، غیرقانونی است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۴: ۱۲۸). موضوع خزر و مباحث سیاسی و حقوقی مربوطه به آن را در رابطه کشورهای ساحلی مخصوصاً ایران و روسیه، حفظ نمودند. بدنبال برگزاری اجلاس سران کشورهای ساحلی خزر، مذاکرات دنبال شد، اما دستاورد مشخص و ملموسی را در پی نداشت. تنها، فقط نشست تهران بود که سران، در پایان این اجلاس، بیانیه‌ای صادر شد که خزر را به عنوان منطقه‌ی صلح و ثبات، توسعه و شکوفایی پایدار اقتصاد و حسن همجواری و تساوی حقوق در همکاری‌های بین‌المللی میان کشورهای ساحلی مطرح کرد. برگزاری نشست سران به صورت منظم، گسترش راه‌های پیونددهنده، عدم اجازه به کشورهای دیگر برای هجوم به کشورهای

ساحلی و عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر از دیگر محورهای بیانیه پایانی نشست بود. بنابراین، باتوجه به اینکه تفاهم همه جانبه و جامع بین کشورهای ساحلی خزر وجود ندارد، این عامل ژئوپلیتیک، کارکرد منفی فعال دارد و عنصر تأثیرگذار تنش‌آفرین در روابط خارجی دو کشور می باشد. همچنین هم‌پیوندی این عامل با دیگر عوامل ژئواستراتژیک و ژئواکونومیک بر پیچیدگی موضوع می‌افزاید؛ بنابراین، این عوامل باعث تغییر نگرش سیاست خارجی ایران به شرق بین سال‌های ۲۰۱۶-۱۹۹۱ و ایجاد مناسبات ویژه بین ایران و روسیه شد.

نتیجه‌گیری

فروپاشی شوروی و پایان جنگ سرد، اهمیت ژئوپلیتیک و منطقه‌گرایی را در نظام بین‌الملل دوچندان کرده، به طوری که بسیاری از کشورها در سیاست خارجی خود منطقه‌گرایی را به عنوان اصلی ثابت و اساسی جهت تأمین منافع و امنیت ملی خود برگزیده‌اند. راهبرد نگاه به شرق، راهبردی منطقه‌گرایانه از سوی جمهوری اسلامی ایران در منظومه نگاه ژئوپلیتیک و جغرافیایی تبدیل شده است، مقصود از راهبرد نگاه به شرق این است که جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بازیگر قدرتمند و مطرح آسیایی و صاحب یکی از قدیمی‌ترین تمدن‌های مشرق زمین، به واسطه قرابت تمدنی، فرهنگی و هویتی با دیگر بازیگران این حوزه می‌تواند ضمن طراحی راهبردی دقیق و جامع، خود را به جریان پرشتاب توسعه اقتصادی و رشد صنعتی آسیا پیوند زده و از رهگذر تعمیق همکاری با کشورهای قدرتمند شرقی همچون چین، روسیه، هند و در سطحی نازلتر مالزی و دیگران از امکانات سرمایه‌ای، صنعتی و تکنولوژیک آنان در راستای تأمین منافع کشور بهره‌گیری نماید. سیاست خارجی ایران و روسیه، از تقابل کد/ ژنوم‌های ژئوپلیتیک، تأثیر پذیرفته و رفتارهای دو کشور را نسبت به همدیگر، شکل داده است، ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه‌ی جغرافیایی ژنتیک سیاست کشور است که تأثیری بسزا در رفتار نظام‌های سیاسی در نظام بین‌الملل دارد. همان‌گونه که انسان‌ها، مطابق با نقشه‌ی ژنتیک خود عمل

می‌کنند، کشورها را نیز کدهای ژنتیک راهبری می‌نمایند. ژنوم ژئوپلیتیک اگر بتواند بین منافع ملی یک کشور، با مزیت‌های جغرافیایی کشورهای دیگر، وابستگی ایجاد نماید، این وابستگی متقابل، فلسفه‌ی تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم جهانی می‌گردد و به سیاست‌مداران رخصت می‌دهد که از موقعیت‌های جغرافیایی سرزمین، حساسیت‌های استراتژیک دریایی و خشکی و منابع کمیاب اقتصادی و انرژی و آبی بهره بگیرند تا برتری‌خواهی‌های سیاسی منطقه‌ای و جهانی قدرت را جامه‌ی عمل بپوشانند. زمینه‌های تقابل، تاریخی است و می‌توان از روزگاری سخن به میان آورد که اکنون به تاریخ پیوسته است. وقوع انقلاب اسلامی و فروپاشی شوروی، دو رخداد دگرگون‌کننده‌ای بود که به‌طرزی همزمان تاریخ و ایدئولوژی و جنگ سرد را به چالش کشید و نشانه‌هایی از آغاز یک عصر تازه در تقابل/تعامل میان ایران و روسیه را پدیدار ساخت. انقلاب اسلامی، سیاست خارجی ایران را آرمان‌گرا ساخت و فروپاشی شوروی، روسیه را به آوردگاهی غیرایدئولوژیک، داخل نمود. اکنون، کد/ژنوم‌های مبتنی بر پایه‌های ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، ژئواتمیک، هیدروپلیتیک و ژئواستراتژیک، سیاست خارجی دو کشور ایران و روسیه را بیش از پیش، به همدیگر وابسته ساخته است؛ آمیختگی نوعی نیاز ناچار و نفرت تاریخی، دو کشور را در میان انواع پیچیدگی‌ها، اسیر ساخته است تا جایی که، نه می‌توانند و نه می‌خواهند و نه می‌بایست مشی مستقلانه‌ای را در روابط خارجی خود، پیشه سازند. هر دو کشور، اکنون، از سر نیاز. کدهای ژئوپلیتیک روسیه به‌همراه ژنوم‌های ژئوپلیتیک ایران، به‌نحوی شگفت‌آور، به هم وابسته شده‌اند. از منظر دو نگاه گزلفاشفتی و گماینشافتی به روابط ایران و روسیه نشانگر آن است که هم از دیدگاهی تاریخی و فرهنگی و هم از منظر کارکردی، سیاست خارجی ایران و روسیه، ویژگی کناکنشی دارند و کش و قوس میان کد/ژنوم‌های دو کشور، به شیوه بازیگری آنها نسبت به همدیگر و نسبت به دیگر بازیگران قدرتمند نظام بین‌الملل، وابسته شده است.

منابع:

- آدمی، علی. (۱۳۸۹). راهبرد نگاه به شرق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: مطالعات سیاسی.
- احمدپور، زهرا و لشکری تفرشی، احسان. (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک دریای خزر. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- اخباری، محمد و نامی، محمدحسن. (۱۳۸۸). جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران. تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی ایران. تهران: انتشارات سمت.
- حافظنیا، محمدرضا. (۱۳۸۵). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک. مشهد: انتشارات پاپلی.
- دهقانی فیروزآبادی، جلال. (۱۳۸۹). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سمت.
- دوژرتی، جیمز و فالتزگراف، رابرت. (۱۳۷۲). نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل. ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب. تهران: انتشارات قومس.
- زین‌العابدین، یوسف. (۱۳۸۹). ژئوپلیتیک (ایده-کاربرد). رشت: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
- صفری، مهدی. (۱۳۸۴). ساختار و تحولات سیاسی در فدراسیون روسیه و روابط با جمهوری اسلامی ایران. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- عزتی، عزت‌الله. (۱۳۸۰). ژئوپلیتیک. تهران: انتشارات سمت.
- فلاح، رحمت‌الله. (۱۳۸۹). «راهبردهای اسراییل در اوراسیا با تأکید بر آسیای مرکز و قفقاز». تهران: اندیشه‌سازان نور.
- کولایی، الهه. (۱۳۷۶). سیاست و حکومت در فدراسیون روسیه. تهران: موسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- کریمی‌پور، یدالله و محمدی، حمیدرضا. (۱۳۸۸). ژئوپلیتیک ناحیه‌گرایی و تقسیمات کشوری. تهران: نشر انتخاب.
- کریمی‌پور، یدالله. (۱۳۷۹). مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید). تهران: انتشارات تربیت معلم.

- مجتهدزاده، پیروز. (۱۳۸۹). **سیاست‌های مرزی و مرزهای بین‌المللی ایران**. ترجمه: حمیدرضا ملک محمدی. تهران: انتشارات سمت.
- احمدپور، زهرا و لشگری تفرشی، احسان. (۱۳۸۹). «چالش‌های ژئوپولیتیک ایران در بهره برداری از منافع خود در خزر». **مطالعات اوراسیای مرکزی**، سال سوم، شماره ۶، صص ۱۸-۱.
- ارشدی، علی‌یار و طیبی، سبحان. (۱۳۸۶). «بررسی رژیم حقوقی دریا چه خزر با تأکید بر مواضع حقوقی دول ساحلی». **عدالت آراء**، شماره ۶ و ۷.
- اعظمی، هادی. (۱۳۸۵). «وزن ژئوپولیتیک و نظام قدرت منطقه‌ای (بررسی موردی: جنوب غربی آسیا)». **فصلنامه ژئوپولیتیک**، سال دوم، شماره سوم و چهارم.
- باباجانی، مصطفی. (۱۳۹۰). «ایران و روسیه در دوره تزارها». **ایراس**، شماره ۳۲.
- ترابی، یوسف. (۱۳۸۸). «سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی». **فصلنامه دانش سیاسی**، سال پنجم، شماره اول.
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۸۸). «هلال شیعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا». **فصلنامه دانش سیاسی**، سال پنجم، شماره اول.
- حافظ‌نیا، محمدرضا و قالیباف، محمدباقر. (۱۳۸۰). «راهبرد توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران از طریق توسعه نهادهای محلی». **فصلنامه تحقیقات جغرافیایی**، سال شانزدهم، شماره ۲ (پیاپی ۶۱).
- حاجی‌یوسفی، امیرمحمد. (۱۳۸۸). «هلال شیعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها برای جمهوری اسلامی ایران، اعراب و آمریکا». **فصلنامه دانش سیاسی**، سال پنجم، شماره اول.
- حق‌پناه، جعفر. (۱۳۹۰). «هویت، قومیت و سیاست خارجی در خاورمیانه». **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۱، شماره ۱.
- حجت‌شمامی، رضا. (۱۳۸۸). «ناباکو؛ از حرف تا عمل». **ایراس**، شماره ۲۵. صص. ۲۲-۲۴.
- خلیلی، محسن. (۱۳۹۰). «مفهوم قلمرو در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: مرز جغرافیایی/ بی مرزی عقیدتی». **فصلنامه راهبرد**، دوره ۲۰، شماره ۵۸.

- صدرموسوی، میرستار. (۱۳۸۶). «ارزیابی وضعیت تسهیلات گردشگری استان آذربایجان شرقی از دید گردشگران». **پژوهش های جغرافیایی**، دوره ۳۹، شماره ۶۱.
- عزتی، عزت الله و احمدی سیلوه، جمال. (۱۳۸۹). «تحلیل فضایی بحران قومیتها در خاورمیانه؛ مطالعه موردی کردهای ایران». **فصلنامه علمی-پژوهشی جغرافیای انسانی**، سال دوم، شماره دوم.
- علیزاده، عمران و بردبار طاهرگورابی، مهرداد. (۱۳۸۶). «بررسی سیاست های روسیه در خلیج فارس (دوران جنگ سرد و پس از آن)». **گزارش**، سال ۱۷، شماره ۱۸۹.
- قالیباف، محمدباقر و پورموسوی، سیدموسی. (۱۳۸۷). «ژئوپلیتیک و سیاست خارجی». **پژوهش های جغرافیایی**، شماره ۶۶.
- کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۸). «ایران و روسیه: متحد شرقی یا تهدید جنوبی؟». **فصلنامه بین المللی روابط خارجی**. سال ۲، شماره ۳، صص ۱۹۹-۱۷۱.
- کرمی، جهانگیر. (۱۳۸۸). «هویت ملی و سیاست روسیه در خارج نزدیک». **فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز**، سال ۱۲، شماره ۴۴، صص ۶۲-۳۵.
- کرمی، مجتبی. (۱۳۹۰). «بحران کاهش جمعیت و وضعیت خانواده در روسیه امروز». **ایراس**، شماره ۳۵، صص ۴۸-۴۲.
- گلوردی، عیسی. (۱۳۸۹). «مرزها، آسیبها و کارکردها». **فصلنامه رهنامه سیاستگذاری سیاسی دفاعی و امنیتی**، سال اول، شماره ۲.
- مجتهدزاده، پیروز و رشیدی نژاد، احمد. (۱۳۸۹). «تحلیل ژئوپلیتیکی سیاست خارجی روسیه در رابطه با برنامه اتمی ایران». **فصلنامه ژئوپلیتیک**، سال هفتم، شماره دوم، صص ۱-۳۶.
- مختاری هشی، حسین. (۱۳۸۷). «بررسی وضعیت هیدروپلیتیک ایران». **پژوهشنامه‌ی حقوق و علوم سیاسی**، دانشگاه مازندران، سال ۳، شماره ۱۰.
- نوری، علیرضا. (۱۳۸۶). «راهبرد ابرقدرت انرژی در سیاست خارجی روسیه». **ایراس**، شماره نوزدهم، صص ۳۱-۲۷.

- نواح، عبدالرضا و دیگران. (۱۳۸۹). «آسیب‌شناسی مسائل قومی در ایران، مطالعه موردی: عرب‌های ساکن شهرستان اهواز». فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره ۳، شماره ۳، صص. ۴۷ - ۶۹.
- هرسیج، حسین و دیگران. (۱۳۸۸). «ژئوپولیتیک قدرت نرم ایران». پژوهشنامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۲.
- سجادیپور، کاظم. (۱۳۷۲). «ژئوپولیتیک و سیاست خارجی ایران: تداوم و تغییر». مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپولیتیک ایران. دانشگاه آزاد، تهران، ایران.
- قصاب زاده، مجید. (۱۳۹۱). «جایگاه ژئواکونومی ایران در منطقه خاورمیانه بزرگ». جلد دوم، رشت (دانشگاه آزاد اسلامی). ایران.
- نامی، محمدحسن و احمدی‌دهکاء، فریبرز. (۱۳۹۱). «بررسی چالش‌های حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز». مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپولیتیک ایران، جلد دوم، رشت (دانشگاه آزاد اسلامی)، ایران.
- حسینی، احمد. (۱۳۹۵). «همکاری‌های راهبردی ایران و روسیه: الزامات و ضرورت‌ها». قابل دسترس در سایت دیپلماسی ایرانی.
- سقائیان، علی. (۱۳۹۳). «ایران و روسیه»؛ از روابط عادی تا تعامل راهبردی. قابل دسترس در سایت فارس نیوز.